

جام جم



اکران نوروزی در گذر زمان

سیر تاریخی اکران های نوروزی از ابتدای سینما در ایران را بررسی کردیم

بازسازی بقیع ضرورت احیای هویت اسلامی

مرمت بقاع متبرکه، هویت اسلامی را احیا و پیوند مسلمانان را با تاریخ غنی خود تقویت می‌کند

۸۱



سیمرغ های فجر در سیمای نوروزی

نگاهی به فیلم های پخش شده در ایام نوروز، نشان از توجه تلویزیون به ارتقای ذائقه سینمایی مخاطبان دارد

۷۱



استقبال هنرمندان از همکاری با رسانه ملی

چشم انداز پیش روی سیما فیلم و تولید طنزهای ۹۰ قسمتی را در گفت وگو با مهدی نقویان بررسی کردیم

۶۱



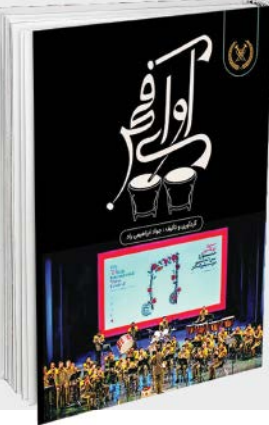
معرفی کتاب

موسیقی نظامی در کتاب «آوای فجر»

کتاب «آوای فجر» به قلم جواد ابراهیمی‌راد و با هدف معرفی تاریخچه، هویت، ساختار و دستاوردهای هنری رزم‌نوازان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۱۶۶ صفحه به قیمت ۳۴۰ هزار تومان به چاپ رسید. آوای فجر با همکاری بنیاد رودکی، انجمن موسیقی ایران، جشنواره موسیقی فجر و دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. این کتاب، همگام با به تصویر کشیدن فعالیت‌های ارکستر رزم‌نوازان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و آثار اجرایی آنها در سی و نهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، کوشیده تا خوانندگان را با تاریخچه، هویت، ساختار و دستاوردهای هنری این ارکستر نظامی افتخارآفرین آشنا کند و نقش این قلب تندبه موسیقی نظامی را در عرصه پرورش و ترویج فرهنگ و موسیقی کشور روشن کند.

این اثر، علاوه بر معرفی جزئیات عملکرد ارکستر رزم‌نوازان نجا، با تحلیلی از نغمه‌های ملی و بررسی آثار جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، ابعادی جدید از موسیقی نظامی ایران را بررسی کرده است. در توضیح این کتاب آمده است: «کمال هنر در آیینگی است. هنرمندان نیز کمال خود را در صافی جست‌وجوی می‌کنند و ثمر پالودگی هنر، آیینگی است؛ از این رو هنرشناسان بر این باورند که از درجه هر اثر هنری، خواه صوت و خواه صورت، می‌توان تصویری تمام‌نما و تصویری به صحت مقرون، از آن دریافت کرد. از بازشناسی آثار رسیده از راه دراز تاریخ مشخص می‌شود که داوران هنر و پژوهشگران می‌گویند که ایرانیان، همواره دل در گرو معناداشته‌اند و در پرده‌های ساز و نغمه‌های راز به جست‌وجوی حکمت و پیام بوده‌اند؛ پیامی که از سودای دل برآید و به گوش جان شنیده شود. موسیقی نظامی ما مثل تمام هنرهای بالیده در جغرافیای فرهنگی نجد ایران، درختی است که ریشه‌هایش تا ژرفای خاک فرو رفته و شاخسار سایه‌گسترش با برگ‌های تازه و جوان، فضایی نو را پیش روی مخاطبان کتاب می‌شاید. موسیقی نظامی ایران، هنر و هویت ملی ماست که به‌عنوان زبانی مشترک در ضمیر مردمان فهمین این مرز و بوم با هر ذائقه و سلیقه‌ای وجود دارد و به‌عنوان پاسیان شایسته آیین‌ها و سنت‌های ارزشمند جامعه ایرانی همواره نقش بی‌بدیلی در بیان ارزش‌ها و فضایل اخلاقی ایفا می‌کند و موجب تقویت حس همبستگی، کارگروهی و خرد جمعی می‌شود. در واقع این هنر اصیل یکی از درخشان‌ترین نقش‌ها را در ادوار مختلف تاریخی به عهده داشته است. موسیقی نظامی کشورمان پرده در پرده، سرشار از زیبایی، کمال خواهی، رهایی و ظرافت است و ظرفیت‌هایی ایجاد می‌کند که از نغمه‌ها و کلام بلند پیشینیان، سیراب است اما قطعا گنجایش نگاه‌های تازه‌تر و آفرینش‌های خلاقانه‌تر را نیز در خود می‌بیند و پس از سال‌ها با شرکت در رویداد «جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر» در مسیر ارتقای ظرفیت‌های خود کوشیده تا اقلیم‌های کشف نشده خود را در عرصه تولید و ارائه آثاری شایسته با پیشینه فرهنگی-هنری این سامان جست‌وجو کند. نگرش سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران موسیقی نظامی ایران، درک و گسترش قلمروهای وسیع‌تر و متفاوت‌تر موسیقی، در سایه بهره‌مندی از تجربه پیشکسوتان و استعداد دانش‌پژشگر جوانان است. هدایت‌بهنینه به‌سمت تحولات سازنده در ساختار و تنوع بخش هادر نخستین تجربه و مشارکت‌دهی گسترده متخصصان موسیقی نظامی در حوزه‌های برنامه‌ریزی و اجرا بر این موضع، مبتنی بوده است.

انتظار می‌رود ارکستر رزم‌نوازان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران همچون گذشته با میزبانی هنرستان موزیک نجا، به معاضدت و همراهی همه هنرمندان، بتواند نقوشی شایسته رقم زند و تصویری تمام و روشن از هنر مینوی و هنرمندان توانا و پویای موسیقی نظامی امروز، برای فردا به نمایش بگذارد.»



زاویه دید

تجلیل از پروفیسور اتریشی که شیفته ایران بود



گفت: کاری که فراگتر کرد، حتی جوزف هامر پورگشتال با همه عظمتش نتوانست انجام دهد. پورگشتال به ایران رفت اما فراگتر آنجا زیست و تحصیل کرد. او یکی از ستون‌های اصلی ایران‌شناسی در آلمان و بنیانگذار انستیتو ایران‌شناسی اتریش است.

فراگتر، چهره‌ای ماندگار در ایران

نصرت‌الله رستگار، استاد دانشگاه با یادآوری اولین دیدارش با فراگتر در سال ۱۹۸۵ در کمیسیون ایران‌شناسی آکادمی ملی علوم، فراگتر را الگویی جامع‌در زندگی توصیف کرد و گفت: فراگتر راهنمایی بیش از ۴۰ رساله دکترا، تألیف ۸۰ مقاله و شش کتاب را به عهده داشت. او در سال ۱۲۸۳ و چهارمین دوره مراسم چهره‌های ماندگار ایران به‌عنوان استاد برتر ایران‌شناسی معرفی شد. همچنین کتاب فراگتر برگزیده کتاب سال ایران شد. با توجه به علاقه زنده‌یاد پروفیسور برت فراگتر به اشعار سنتی و نو ی ایرانی، میترا شاهمرادی از شاعران ایرانی-اتریشی، به یاد فراگتر اشعاری را از فردوسی، مولانا، سعدی، حافظ و پروین اعتصامی با مضمون عشق، محبت و تعالی قرائت و معنا کرد.

در پایان دومین سمپوزیوم ایران‌شناسی از نشان جایزه کتاب فراگتر که به نام زنده‌یاد پروفیسور برت فراگتر به ثبت رسیده است توسط دو نفر از ایران‌شناسان برجسته، پروفیسور رودیگر لولکر و سیبیل و نکر و همچنین کریستل فراگتر، همسر زنده‌یاد پروفیسور فراگتر برده‌برداری شد.

این جایزه که فراخوان آن در سال ۱۴۰۲ صادر شده است، امسال به سه عنوان از برترین کتاب‌های عرصه ایران‌شناسی اهدا خواهد شد.

دومین سمپوزیوم مطالعات ایرانی ضمن بزرگداشت پروفیسور برت فراگتر، ایران‌شناس سرشناس اتریشی و مؤسس فقید انستیتو ایران‌شناسی آکادمی ملی علوم اتریش با حضور جمعی از پژوهشگران و توسط راینزی فرهنگی ایران در اتریش برگزار شد. فراگتر که به دلیل تحقیقات گسترده‌اش در حوزه مطالعات ایرانی شهرت جهانی دارد، نه فقط آثار علمی ارزشمندی در عرصه ایران‌شناسی دارد، بلکه در طول زندگی علمی خود، خدمات مهمی به بسط و توسعه ایران‌شناسی در اتریش داشته است.

رضا غلامی، راینز فرهنگی ایران در اتریش در این همایش با اشاره به اهمیت زبان فارسی به‌عنوان عنصری حیاتی در هویت ایرانی، آن را ابزاری خواند که قادر است ایده‌های فلسفی و عرفانی را به زیبایی بیان کند و افزود: شعر و نثر پارسی، تجربه‌های شهودی و حکمت عملی را منتقل می‌کند و با استعاره‌ها و تشبیه‌های غنی، مفاهیم پیچیده را ساده می‌سازد.

وی درباره خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور برت فراگتر در زمینه ایران‌شناسی گفت: او سال‌ها در ایران زندگی کرد و عاشق فرهنگ و تاریخ این سرزمین شد. تأسیس مؤسسه ایران‌شناسی در اتریش اقدام مهمی است که توسط پروفیسور برت فراگتر انجام شد.

شیفتگی به ایران در تمام عمر

کریستل فراگتر، همسر مرحوم پروفیسور فراگتر با اشاره به چگونگی علاقه‌مند شدن همسرش به ایران‌شناسی، گفت: برت، با وجود مخالفت خانواده‌اش، شیفته فهم شرق شد. با وجود تنگدستی، با تدریس زبان و همکاری با گروه تئاتر، پس‌اندازی جمع کرد و سرانجام در سفری به ایران، عشقش به این سرزمین را عمیق‌تر کرد. راینزی فرهنگی اتریش در ایران به او کمک کرد تا این سرزمین را بهتر بشناسد و در سال ۱۹۶۴، بورسیه‌ای از دولت ایران برای ایران‌شناسی دریافت کرد. اساتیدی چون ایرج افشار، محمدجعفر محجوب و مجتبی مینوی راهنمای او شدند. در سال ۱۹۷۰ در وین دکترایش را با تز «تاریخ شهر همدان در قرن ششم هجری قمری» به پایان رساند و پایه‌گذار راهی نو در ایران‌شناسی شد. او تا پایان عمرش لحظه‌ای از تلاش برای بسط ایران‌شناسی دست برنداشت.

رودیگر لولکر، ایران‌شناس و اسلام‌شناس سرشناس ضمن تحسین تلاش‌های فراگتر، او را فراتر از هم عصرانش دانست و

دوشنبه‌نویشته

چشم انداز غبارآلود سینما!؟



محمدتقی فهمید
منتقد سینما

مروری بر عملکرد و راهبردهای طول عمر مدیریت جدید سینمایی در شش ماه دوم سال گذشته، افقی نامعلوم و چشم‌اندازی غبارآلود را پیش رو در سال جدید قرار می‌دهد. درواقع این دوره مدیریت سینمایی را از منظرهای مختلفی باید یک‌ه و یگانه برشمرد. به این‌صورت که رئیس سازمان سینمایی نیز مانند خود وزیر ارشاد در مگنکه، تحت فشار، ناگهانی و در بازه زمانی کوتاه، وظیفه هدایت کشتی سینمای کشور را برعهده گرفت. لذا این اتفاق چنان رقم خورد که فرصتی برای راند فریدزاده نبود تا قبل از صدور حکمش، تیم همکار و همراهی‌کننده خود را مورد بررسی قرار داده و نهایی کند. از همین‌رو هنوز که هنوز است همه اعضا و افراد زیرمجموعه سازمان تکمیل نشده است. شاید به همین جهت است که در محیط سینما و عرصه فرهنگی، انتخاب مدیران را به واسطه گروه در سایه می‌دانند، چیزی که البته برای تابیدش ادله مقومی را نمی‌توان مطرح کرد. درعین‌این‌که نقش تیم مشاور رئیس جمهور در هنگامه انتخابات که یاری‌کننده آقای پیشکیان بودند را هم نمی‌توان نادیده گرفت. درهرحال فرقی ندارد؛ چراکه در اصل ماجرا تغییر حاصل نمی‌شود و هرچه هست و نیست، پای فریدزاده نوشته می‌شود. فرصت‌سوزی ناشی از نداشتن تیم از پیش بررسی‌شده توسط رئیس سازمان، واقعیت استراتژی‌های سینمایی را خدشه‌دار کرده و می‌کند. نکته درخور توجه این‌که رویکردهای کلی و جزئی و نیز اهداف کلان و چشم‌انداز چنین وضعیتی مخدوش است؛ به عبارت روشن، قافله سینمای ایران در مسیر تاری و مه‌آلود حرکت می‌کند. مثلاً هنوز مشخص نشده که چگونه سینمایی در اشل بزرگش مورد حمایت سازمان سینمایی خواهد بود، در حالی که فرضا در آخرین مدیریت سینمایی، یعنی دوره محمد خزایی و تیم همکاری، تکلیف‌شان روشن بود که باید در درجه اول سینمای درجا خفته کرونازده را احیا کرد و نیز موضوع سالن‌سازی و افزایش تعداد سینماها تا رسیدن به وضعیتی که همه شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر دارای سینما باشند عملیاتی شد، در عین‌نگاهی جدی به افزایش آمار تماشاگران، مقصد و مقصود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران سینمایی دولت سیزدهم شد؛ لذا همه هم و غم آن مدیریت، اعم از جذب بودجه تا ترمیم مناسبات سینمایی‌ها و... براین اساس پیگیری و تقویت می‌شد. بنابراین دیدیم که در بازه زمان یک‌ساله هم تعداد مخاطبان سینما به رقم قابل قبولی رسید و هم این‌که تعداد سالن‌ها به دو برابر افزایش پیدا کرد. درحالی‌که در این مدیریت همه چیز در پرده ابهام است. البته فریدزاده در ملاقات‌های آستانه نوروز از اقبال تماشاگران به فیلم‌ها، روی خوش نشان داد و به نظر می‌رسد که رقابت در جذب تماشاگران فیلم‌ها همچنان به عنوان یک گزینه استراتژیک مورد توجه است اما بحث سالن‌سازی و توجه به شهرهای فاقد سینما و کلا رویکرد عدالت طلبانه در تقسیم بودجه‌ها و تلاش برای کشاندن پای دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای حمایت از سینما و تأسیس سالن به فراموشی سپرده شده است. خلاصه تنها مورد اعلام صریح موضع برای حرکت سینمای ایران در مقطع معرفی اعضای شورای فیلم و فیلمنامه بود که رئیس بر «شرع، قانون و اخلاق» در گرایش محتوایی تصویب آثار تأکید کرد. البته اینها نیز چیز تازه‌ای نبوده و همواره ملاک راهبردی همه مدیریت‌ها در ادوار مختلف بوده است. ضمن این‌که این موارد چنان کلی است که در مواقع انطباق با مصادیق، کارشناسان را با مشکل مواجه می‌کند. خصوصاً بحث اخلاق که بسیار محل مناقشه و جالش است و... شاید شش‌ماه دیگر وقت لازم باشد تا مقصد و مقصود سینمای ایران در رویکردهای محتوایی/ساختاری و خصوصاً جایگاه نقش و میزان مشارکت دولت در زیرساخت‌ها/تولید به‌زعم مدیران جدید برملا و فاش شود.